

■ **سمانه صادقی**

میان ما و مسئله نفت داستانی حدوداً ۱۰۰ ساله حاکم است. داستانی که این طلای سیاه را برای مدتی طولانی به بلای سیاه تبدیل نمود و برای حل آن راهی جز خلع ید و تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۳۲ در مجلس سنا نبود. هر چند تصویب این قانون نقطه عطفی در تاریخ سیاسی، اقتصادی و مبارزاتی مردم ایران به شمار می‌رفت اما استعمارگر پیر که از ابتدای کشف نفت در ایران با عقد قراردادهای گوناگون به تاراج آن پرداخته بود این بار هم با حيله توانست شرایط را به گونه‌ای پیش ببرد که دولت ایران مجبور به پذیرش قرارداد جدیدی موسوم به کنسر سیوم شود؛ قراردادی که طبق آن دوباره انحصار نفت ایران به دست انگلیس می‌افتاد. اینک با نزدیک شدن به سالروز ۲۹ اسفند با خسرو معتضد کارشناس نخبه‌های معاصر در خصوص تاریخچه کشف و استخراج نفت ایران و قراردادهای مربوط به آن گفت‌وگویی داشته‌ایم که در پی می‌آید. ناگفته نماند در همین رابطه از ایشان به تازگی کتابی با عنوان «خون و خاک» نیز منتشر شده است. ■ ■ ■

**در آغاز بفرمایید آشنایی ایرانیان با نفت به چه دورهای بازی می‌گردد و از این ماده چه استفاده‌ای می‌کردند؟**

شواهد نشان می‌دهد که نفت از دوران هخامنشیان در ایران استخراج می‌شده و مصرف نظامی و پزشکی داشته است. مثلاً خشایار شاه در جنگ آن از پارچه‌های آغشته به نفت که به وسیله منحنیق پرتاب می‌شده بهره با نادرشاه در جنگ با هند پر کوهان شترها تنوری از هیزم و نفت مشتعل بست. گرمای آتش باعث دودیدن شترها شد و به این صورت به قشون ۳۰۰ نفری محمدشاه گورکانی حمله کرد. از نفت برای تسکین بیماری پوستی شترها به نام «جرب» نیز استفاده می‌شد. حتی در شاهنامه و دیگر آثار ادبی‌مان هم به نفت اشاره شده، البته توجه داشته باشید که کلمه نفت در زبان قدیم ایران «نبتا» بوده است. در آثار به جامانده از قرون اسلامی هم بسیار به چشمه‌های نفت اشاره شده است. به عنوان مثال «بودلف» سیاح اسلامی و ابن حوقل جغرافیدان مسلمان و صاحب کتاب «صوره الارض» (صورتر زمین) در کتاب‌هایشان به چشمه‌های نفت اشاره کرده‌اند، بنابر این ایرانیان از قدیم‌الایام با نفت آشنا بوده‌اند، منتها استفاده مهمی از آن نمی‌کردند.

**در آن دوران نفت چگونه استخراج می‌شد؟**
نفت به صورت چشمه‌های خود جوش در مناطق جنوبی ایران به نام (دالکی) و مناطقی در شوشتر به نام «سحدات» از زمین خارج می‌شد. یکی دیگر از مراکز نفتی ایران اطراف ساحل دریای خزر (دریای کاسپی) بود که مردم از چشمه‌های نفت آن استفاده می‌کردند.

منتها در شمال ایران از نفت برای روشنایی و سوخت اجاق استفاده می‌شد، در حالی که مناطق دیگر ایران از این مسئله بی‌اطلاع بودند و برای سوخت از هیزم و فضولات دام (تا بهله خشک شده) استفاده می‌کردند.

**آشنایی مردممان دیگر نقاط جهان تا چه حدود با این ماده آشنایی داشتند؟**

قبیله سنکا در ایالت پنسیلوانیا در همان دوران نفت را شناخته بودند. شاید باور نکنید اما آنها از نفت برای درمان دلدرد استفاده می‌کردند. در امریکا شمالی از سال ۱۸۴۰- ۱۸۳۰ برای روشنایی چراغ‌ها از روغن کبد نهنگ سفید استفاده می‌شده (مثل بی‌سوزهای ایران با این تفاوت که ما از چربی استفاده می‌کردیم) است. البته چند دانشمند امریکایی مطالعاتی در خصوص اینکه می‌تواند جایگزین روغن «کبد نهنگ سفید» شود، انجام می‌دهند.

**نخستین بار در جهان نفت در کدام نقطه و توسط چه کسی استخراج می‌شود؟**

اولین حفاری چاه نفت در سال ۱۸۵۹ م و در ایالت پنسیلوانیا واقع در شمال شرقی امریکا در نزدیکی تیتوسویل و توسط کنل «ادوین ال دریک» انجام می‌شود. می‌گویند کنل «دریک» فرد چاقو‌کشی بوده و در جبه سرهنگی‌اش قلابی است. در واقع مهندسان دریک را استخدام می‌کنند تا به واسطه وی سرچوست‌ها مزاحم کارشان نشوند. اما با استخراج نفت از چاه‌های کاشف نفت خوانده می‌شود!

**نفت از چه زمان به مسئله جهانی مبدل شد؟**

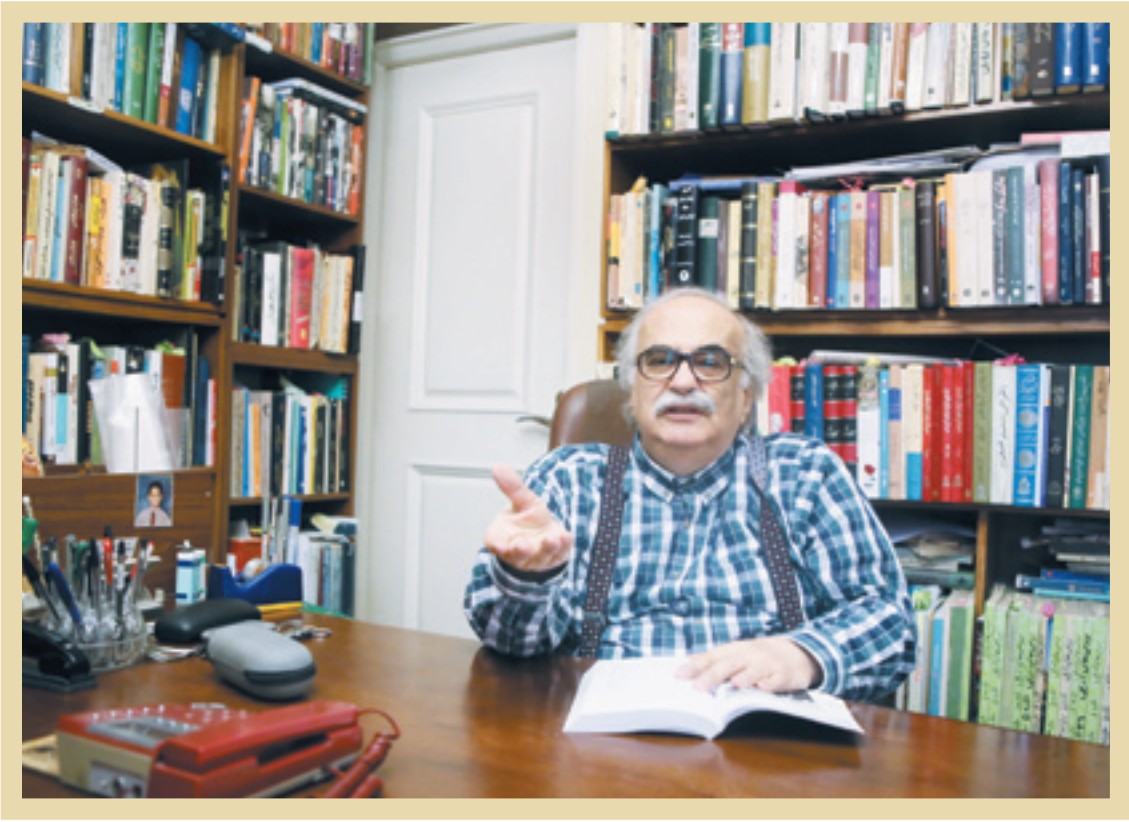
از آنجا که سوخت اصلی مردم دنیا ذغال سنگ بود و با در دسر بسیار از اعماق زمین به دست می‌آمد، امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها برای کشف نفت و اثبات برتری آن نسبت به ذغال سنگ زحمت بسیاری کشیدند. در قرن نوزدهم بعد از اکتشافات پنسیلوانیا جهانیان متوجه اهمیت نفت شدند و شخصی به نام راکفلر که شرکت استاندارد اویل متعلق به وی بود، شروع به فعالیت در این زمینه کرد و ۱۱ شرکت در امریکا تشکیل داد و نیمکره غربی متعلق به وی شد. در نیم کره شرقی کسی را نداشتیم، اما

چاه‌های نفت بسیار مفصل قفقاز همگان را متوجه روسیه کرد. در آن روز کار کسی باور نمی‌کرد کشور ایران-عربستان- عراق و سایر کشورهای منطقه نیز نفت‌خیز باشند.

**نخستین کاوش‌ها برای استخراج نفت به چه زمانی بازی می‌گردد؟**

نخستین بار یک شرکت تجاری هلندی که متعلق به «البرت هوتس» بود، در سال ۱۳۸۴ امتیاز استخراج نفت در مناطق دالکی و قشم را از ناصرالدین شاه دریافت کرد اما نتیجه‌ای حاصل نشد. در نتیجه هوتس امتیازش را به شرکت حقوق مدنی بانک ایران که زیر نظر بانک شاهنشاهی بود، واگذار کرد. این بانک که متعلق به بارون جولویس دورویتر و بانکی انگلیسی بود نیز در قسم چاهی حفر کرد ولی توانست کاری از پیش ببرد.

■ **فرزاد و فرودهای قراردادهای نفتی ایران در گفت‌وگوی «جوان» با خسرو معتضد – بخش نخست**



محمدرضا پهلوی، پسر جوان

■ **فرزاد و فرودهای قراردادهای نفتی ایران در گفت‌وگوی «جوان» با خسرو معتضد – بخش نخست**

# بی‌اطلاعی ایرانی‌ها، ساخت پالایشگاه را به کام انگلیسی‌ها شیرین کرد!

■ **علت عدم موفقیتشان چه بود؟**

چون انتقال لوازم به منطقه دشوار بود. آن زمان وسیله نقلیه‌ای نبود و لوازم با کشتی از اروپا به خلیج‌فارس و سپس به اروند رود و کارون می‌رسیدند و سپس روی تخته‌های چوب تا منطقه غلته‌مان می‌شدند.

**با این اوصاف نخستین بار چه کسی متوجه وجود معادن نفت در ایران شد؟**

زمین‌شناسی فرانسوی به نام ژاک دومورگان پس از دیدار از رگه‌های معدنی قصر شسیرین در سال ۱۸۹۲ طی مقاله‌ای در یکی از نشریات پاریس

از احتمال وجود نفت در ایران خبر داد. از طرفی زمانی که مظفرالدین به پادشاهی ایران منصوب می‌شود به علت بیماری‌اش پیشنهاد شده برای درمان به «پیشی» (منطقه‌ای در نزدیکی فرته عثمانی معروفی دارد) یا «کارلسباد» برود. البته شاه هم هوس رفتن به اروپا را داشت اما خزانه خالی بود. در این زمان یک دلال ارمنی به نام «آنتوان کتاچی‌خان» که از عثمانی به ایران (چون دولت عثمانی ارمنه را می‌کشت) پناهنده شده بود و به عنوان رئیس گمرک در آذربایجان خدمت می‌کرد، از اوضاع دربار ایران باخبر می‌شود. وی به شاه وعده می‌دهد که پول سفر را فراهم کند. پس از آن کتاچی‌خان در سال ۱۹۰۰ برای اداره غرقه ایران در نمایشگاه جهانی پاریس (ماشین‌های نخستین بار آورده می‌شود) به این شهر سفر می‌کند و در ملاقاتی با «سسر هنری دراموند لسف» وزیر

مختار پیشین انگلیس در ایران از وی می‌خواهد سرمایه‌داران انگلیسی را برای کسب امتیاز نفتی در ایران به وی معرفی کند. دراموندولف نیز ویلیام

داریسی استرالیایی که در کشورش به دنبال استخراج نفت شیل (نفتی که از صخره‌ها به دست می‌آید) بوده از این پیشنهاد استقبال می‌کند و پس از کسب امتیامان وجود نفت، نماینده‌اش را برای انجام مذاکره روانه ایران می‌کند.

همچنین کتاچی‌خان و هاردینگ سفیر انگلستان در پرداخت رشوه به میرزا علی‌اصغرخان اتابک ملقب به امین‌السلطان (وزیر اعظم دربار) توانستند موافقت شاه برای دادن امتیاز استخراج نفت از معادن ایران را دریافت کنند.

در نهایت با پرداخت ۴۰ هزار لیر رشوه و پرداخت ۱۵ هزار لیر به شاه برای تأمین مخارج سفر اروپا قراردادی به مدت ۶۰ سال از ۱۹۰۱ تا ۱۹۶۱ بین



**کتاچی‌خان و هاردینگ سفیر انگلستان با پرداخت رشوه به میرزا علی‌اصغر خان اتابک ملقب به امین‌السلطان توانستند موافقت شاه برای دادن امتیاز استخراج نفت از معادن ایران را دریافت کنند.**

**در نهایت با پرداخت ۴۰ هزار لیر رشوه و پرداخت ۱۵ هزار لیره به شاه برای تأمین مخارج سفر اروپا قراردادی به مدت ۶۰ سال از ۱۹۰۱ تا ۱۹۶۱ بین آلفرد ماریوت نماینده داریسی و مظفرالدین‌شاه امضا شد. به موجب این قرارداد داریسی متعهد شد ۱۶ درصد از منافع خالص خود را به دولت ایران بپردازد**

آلفرد ماریوت نماینده داریسی و مظفرالدین‌شاه امضا شد. به موجب این قرارداد داریسی متعهد شد ۱۶ درصد از منافع خالص خود را به دولت ایران

بپردازد و طی دوسال شرکتی را برای بهره‌برداری اولیه تأسیس کند. ایرانیان بیچاره نمی‌دانستند چه سرمایه‌ای را از دست می‌دهند. همیشه در قراردادها نام طلا و نقره آورده می‌شد که ممال اعلیحضرت بود و توجهی به موادی چون منگنز و نفت و قیر نمی‌شد، چون سوختشان هیزم، ذغال چوب و فضولات بود. دم

**دولت روسیه با بسته شدن این قرارداد مخالفت نکرد؟**

توانست چون برای جلب رضایت دولت روسیه اتابک حبله‌ای سه‌کار می‌بسد. وی از آنجا که می‌دانست مترجم سفارت روس به ییلاق رفته و وزیر مختار فارسی نمی‌داند، نامه نظر خواهی در خصوص اعطای این امتیاز را به سفارت روس ارسال کرده و پنج روز برای جواب فرصت تعیین می‌کند. «هاردینگ» سفیر انگلیس می‌نویسد: «ما کلک زدیم و نامه را به زر زنده ارسال کردیم، چون مترجم نبود و آقای وزیر مختار فارسی نمی‌دانست با آن موافقت کرد. ولی بعد که فهمیدند خیلی به ایشاد سر خورد که زمان تعیین کرده و کلک زده‌اید.» البته برای خاموش نمودن اعتراضات دولت روسیه پنج استان شمالی ایران (آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان، خراسان) از امتیازنامه داریسی حذف می‌شوند.

**نخستین حفاری که منجر به استخراج نفت در ایران شد به چه زمان بازی می‌گردد و توسط چه کسی انجام می‌شود؟**

داریسی برای آنکه همچون دیگران با شکست مواجه نشود، تمام تجهیزات استخراج نفت را از اطراف دنیا به منطقه آورد. وی حتی برای انجام حفاری‌ها مهندس اسکاتلندی به نام «جورج برنارد رینولدز» را همراه سدهای حفار لهستانی به ایران اعزام می‌کند. رینولدز ابتدا به حفاری در منطقه «چاه سرخ» می‌پردازد. پس از آن داریسی طبق شرایط قرارداد شرکتی را به نام «استخراجات اولیه» تشکیل می‌دهد. اما پس از دوسال حفاری بی‌نتیجه می‌ماند به همین خاطر رینولدز برای حفاری به منطقه ماماتین و سپس به منطقه نفتون می‌رود. حفاری در این مناطق هم موفقیت‌آمیز نبوده به فقط ۱۶ درصد بهره مالکانه دریافت می‌کرد. وی نتیجه بودنشان، داریسی طی ارسال تلگرامی



(استخراج و حقوق کار کاکسان) را از همین ۱۶درصد کم می‌کرد.

**چه شد که انگلیسی‌ها به فکر تأسیس پالایشگاه نفت در آبادان افتادند؟**

از آنجا که پس از کشف نفت مسئله خرید زمین و حفاظت از تأسیسات نفتی مطرح بود، دولت انگلیس با پرداخت سه درصد سود به سران ایل بختیاری از آنها برای محافظت از منطقه کمک می‌خواهد. همچنین دولت انگلیس یک مایل مربع از آبادان (محدوده امروزی پالایشگاه نفت) را برای ساخت ساختمان تصفیه خانه از شیخ خزعل در برابر سالی ۶۵۰ هزار لیره اجاره می‌کند و شرکت نفت انگلیس و ایران از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۲ اولین محموله کشتی‌های نفتکش ۱۹۱۲ اولین محموله کشتی‌های نفتکش به حرکت درمی‌آیند. کشتی‌های نفتکش تا آن زمان اجاره‌ای بود در نتیجه شرکتی به نام بریتش تانکرز یعنی تانکرهای بریتانیایی نیز برای به دست گرفتن انحصار انتقال نفت تأسیس می‌شود. البته بی‌اطلاعی ایرانیان از فواید نفت سبب شد ساخت پالایشگاه فقط به کام انگلیسی‌ها شیرین آید!

■ **چطور؟**

آبادان تا پیش از آن سنگستانی بی‌درخت بود که تا سال ۱۹۱۲ حتی پای یک زن هم به آن نرسیده بود و انگلیسی‌ها با زحمت بسیار آنجا را آباد کردند. مهندسان و کارمندان شرکت هم در دو قریه خوش آبوهوا به نام‌های «بوراده» و «بریم» ساکن بودند که ایرانیان اجازه ورود به آنجا را نداشتند. حتی برای سرسبزی

رینولدز و گروهش را از ادامه کار منع می‌کند. در واقع شرایط منطقه هم برای رینولدز غیر قابل تحمل شده بود. بطوری که وی در نامه‌هایش به نامزدش از گرمای هوا و بی‌آبی شکایت می‌کرد. اما در پنج خرداد ۱۲۸۷ه‍.ش (۱۹۰۸ م) یکی از چاه‌های نفت در منطقه نفتون فوران می‌کند و سود سهام داریسی در بورس افزایش می‌یابد. البته بعد از مدتی رینولدز از شرکت اخراج و راهی ونزوئلا شد.

**علت واگذاری امتیاز داریسی چه بود؟**

داریسی پس از ناامیدی از نتیجه حفاری‌ها در منطقه چاه سرخ و با توجه به سرمایه محدودش تصمیم به واگذاری امتیازش داشت. پیشنهادهایی هم از جانب سرمایه‌گذاران آلمانی، امریکایی و فرانسوی دریافت کرد. از طرفی همان سالی که نفت در مسجدسلیمان فوران کرد البته بیستون چر چیل وزیر دربارداری انگلیس شد و نیروی دریایی را متقاعد کرد که برای تأمین سوخت کشتی‌ها به جای ذغال سنگ از نفت استفاده کند. نیروی دریایی هم با آگاهی از تصمیم داریسی برای واگذاری امتیازش تلاش کرد این امتیاز از دست انگلیسی‌ها خارج نشود. به همین خاطر نیروی دریایی انگلیس به کمک «لرد استراچکونا» سرمایه‌دار انگلیس، توانست شرکت انگلیسی

نفت «برمه» را که در بیرمانی فعالیت می‌کرد متقاعد کمک به داریسی کند. در نتیجه هیئت از سوی نیروی دریایی انگلستان برای بررسی اراضی نفت‌خیز روانه ایران شد. گزارشات این هیئت دولت انگلستان را به فکر ایجاد کمپانی می‌اندازد و با خرید ۵۱ درصد از سهام داریسی کمپانی نفت انگلیس و ایران در سال ۱۹۰۹م تشکیل می‌شود. این حبله به واسطه چرچیل به دولت ایران زده شد و در آینده سبب اعمال نفوذ و مداخله بریتانیا در ایران گشت. جالب است که برای فرار از پرداخت مالیات به ایران دفتر شرکت نفت در گلاسکو تشکیل می‌شود. سوخت کشتی‌های انگلیس در هر دو جنگ جهانی از معادن نفت ایران تأمین شد.

**اما گفته می‌شود کمپانی نفت ایران و انگلیس…**
نه برای اینکه ما را سرکار بگذارند می‌گفتند کمپانی نفت ایران و انگلیس. وگرنه برای تأیید این نام یک نامه هم وجود ندارد. اصلاً ایران کاره‌ای نبود فقط ۱۶ درصد بهره مالکانه دریافت می‌کرد. ناگفته نماند که انگلیس هم تمام مخارج کمپانی

تأخیر در عملیات نفتی است و با همین بهانه از پرداخت حق‌الامتیاز ایران تا پایان جنگ اول خودداری کرد. از طرفی اختلافات دیگری نیز بر سر سود شرکت‌های تابع، فروش نفت با تخفیف به دولت انگلیس و… به‌وجود آمد. در نفوذ روسیه تصمیم گرفت نفوذ خود را در ایران گسترش دهد. به همین روی کابینه انگلیس برای انجام قراردادی جدید با دولت ایران وارد مذاکره شد که نتیجه آن انعقاد قرارداد اوت ۱۹۱۹م است. پس از آن هم ایران برای حل اختلافات ابتدا نصرت الدوله فیروز و سپس آرمیتاز اسمیت انگلیسی (مستشار مالی دولت و ثوق الدوله) با کمپانی وارد مذاکره شدند. سرانجام اسمیت طی چند دوره مذاکره اواخر سال ۱۹۲۰ از سوی ایران موافقتنامه‌ای را با شرکت نفت انگلیس و ایران به امضا رساند.

**گویا به نفع انگلیس هم بوده است؟**

طبق این موافقتنامه شرکت از ادعای دریافت خسارت خرابکاری در لوله‌های نفت صرفنظر کرد و بابت اختلاف محاسبات حق‌الامتیاز ایران قرار شد یک میلیون لیره به ایران پرداخت کند. اما ایران از دریافت سود۱۶درصدی تمام شرکت‌های تابع محروم شد. البته چون امضای این موافقتنامه فراتر از اختیارات اسمیت بود، مجلس ایران آن را هیچ‌گاه معتبر ندانست ولی ملاک عمل کمپانی برای محاسبه حق‌الامتیاز ایران شد.

**احمدشاه مخالفتی با این قرارداد نکرد؟**

احمدشاه شیفته فرنگ بود و دو سال برای عیاشی به اروپا رفت و بعد از قرارداد ۱۹۱۹ هم از انگلستان ماهی ۱۵ هزار تومان مقرری دریافت می‌کرد. در واقع وطن‌دوستی‌اش هم دروغ است، چون ایرانیان پدرش محمدعلی‌شاه را بیرون کردند، دل خوشی از آنها نداشت. آن دوره اغلب رجال ایران انگلوفیل بودند (طرفدار سیاست انگلیس در ایران) و نمی‌خواستند این کشور را برنجانند.

از طرفی اوضاع ناپسامان مالی کشور سبب شد در سال ۱۳۰۱ شمسی دولت برای تأمین کسری بودجه از امریکا استقراض کند. طبق مذاکراتی که به عمل آمد، شرط استقراض این شد که اداره مالیه مملکت تحت نظارت مستشاران امریکایی قرار گیرد به همین روی هیئتی امریکایی برای اصلاح مسائل مالی به استخدام دولت ایران درآمد و آرتور میلیسیو رئیس کل اداره مالیه ایران شد.



احداث خط لوله مسجد سلیمان، ۱۹۱۰-۱۹۱۱ توسط کارگران ایرانی

سال ۱۳۰۳ه‍.ش زمانی که رضاخان وزارت جنگ را برعهده داشت، کنسل مک کورمک یکی از مستشاران دارایی ایران اعلام کرد شیخ خزعل ۴ میلیون تومان بدهی مالیاتی دارد. اما شیخ زیربار پرداخت مالیات نفت و کوشید به کمک انگلیس خوزستان را از ایران جدا سازد. رضاخان نیز برای مقابله با وی به جنوب لشکرکشی کرد.

اما انگلیسی‌ها که می‌خواستند ایران را از دست روسیه در آورند (برای عدم راهبایی دیگر کشورها از سوی خوزستان به مستعمره‌شان هندوستان، این بار از شیخ خزعل حمایت نکردند و سبب دستگیری وی شدند. شیخ خزعل نیز از تأسیل ۱۳۱۵ که به دستور رضاشاه کشته شود، در باغی در امامزاده قاسم تهران تحت نظر بود.

**چه عواملی سبب تصویب قرارداد ۱۹۲۳ شد؟**

تا سال ۱۳۱۲ انگلیسی‌ها در کشورمان جولان می‌دادند اما پس از وقوع رخداد ورشکستگی اقتصادی در دنیا انگلیسی‌ها سهم ایران را از یک میلیون لیره به ۳۰۶هزار لیره کاهش دادند که همین مسئله سبب عصبانیت رضاشاه و پاره کردن قرارداد داریسی می‌شود، با وجود آنکه انگلیسی‌ها وی را به قدرت رسانده بودند. اما در نهایت شرایط به گونه‌ای پیش رفت که رضاشاه مجبور به مذاکره و پذیرش قرارداد جدید شد. به نوشته اغلب وزرای رضاشاه مثل کاظمی و مصطفی فاتح (معاون شرکت نفت)، وقتی رضا شاه با سرجان کامدن (مدیرعامل شرکت نفت) و مترجمش دکتر یانگ از اتاق خارج شدند، رضاشاه می‌گوید:«هر چه می‌خواهند به ایشان بدهید!» به نمایندگان مجلس هم گفته می‌شود. کسی با امضای قرارداد مخالفت کند حسابش را خواهیم رسید.» در نتیجه قرارداد ۱۹۲۳ امضا و به موجب آن ۳۰ سال دیگر به آن ۶۰سال قرارداد قبل اضافه می‌شود.